

تقریب و همگرایی در اندیشه فقهی امام خمینی

محمد محسن حیدری *

چکیده:

تقریب و همگرایی از نیازهای اساسی و مهم امروز جهان اسلام است. یکی از منادیان وحدت مسلمین و تقریب در جهان اسلام، امام خمینی است. توجه به مسئله تقریب، افزون بر سیره عملی امام خمینی، در مباحث علمی و آثار فقهی ایشان نیز متبلور شده است. در این پژوهش با تشریح آرای امام خمینی درباره ماهیت تقیه مداراتی، حکم تکلیفی و محدوده تقیه مداراتی، اجزای عمل مقرون به تقیه (چه تقیه خوفی، چه تقیه مداراتی) و مشروط نبودن تقیه به عدم مندوحه، و مقایسه این آرا با دیدگاه فقهای دیگر، و اهمیت تقریب و همگرایی در اندیشه فقهی امام خمینی تبیین شده است. کلیدواژه: وحدت، تقیه، تقیه مداراتی، اجزا، مندوحه.

مقدمه

یکی از نیازهای اساسی امروز جهان اسلام، وحدت و یکپارچگی مسلمانان در مقابل دشمنان است. در نقطه مقابل، دامن زدن به تفرقه و اختلافات فرقه‌ای و مذهبی از نقشه‌های استکبار جهانی برای تضعیف و مهار قدرت اسلام است. مقوله وحدت و همگرایی مسلمین کمتر از زاویه فقهی، تبیین شده است، حتی این مقوله از سوی فقها هم

در بسیاری موارد، در فضای غیر فقهی و با ادبیات اصلاحی - اجتماعی شکل گرفته است. بدون شک امام خمینی، یکی از منادیان و احیاگران وحدت و تقریب مسلمین است و آرا و نظریات ایشان مورد توجه جهان اسلام و اندیشمندان مسلمان می‌باشد. توجه به مسئله وحدت و تقریب مذاهب اسلامی در سیره عملی و بیانات امام خمینی، به وفور مشاهده می‌شود و صدور پیام‌هایی پیاپی در مناسبت‌ها و در موسم فریضه حج و حمایت از اعلام هفته وحدت در جهان اسلام در سالگرد تولد پیامبر خدا ﷺ، از راهکارهای عملی ایشان برای وحدت شیعه و سنی بوده است.

مسئله وحدت و همبستگی مسلمین، در مکتوبات علمی و آثار فقهی امام خمینی نیز مشاهده می‌شود. ایشان مسئله تقریب و همگرایی را در مباحث تقیه مطرح کرده است. مباحث تقیه از مسائل مهم نزد امام خمینی بوده و ایشان همواره به این موضوع اهتمام داشته است. ایشان با نگاه ویژه‌ای، مسئله تقیه را با همه ابعاد، جهات و اقسامش و نیز متناسب با مقتضیات زمان، بحث و بررسی کرده‌اند. رساله تقیه جزو نخستین نوشته‌های ایشان در این باره است. در تقریرات کتاب طهارت ایشان نیز مباحث تقیه به تفصیل آمده است. در کتاب مکاسب محرمة نیز این مباحث را مجدداً پیگیری کرده‌اند و در آخرین نوشته فقهی ایشان؛ یعنی کتاب الخلل فی الصلاة نیز مباحث تقیه آمده است.

در این پژوهش، مسئله تقریب و همگرایی مسلمین در اندیشه فقهی امام خمینی، با روش توصیفی و تحلیلی، تبیین شده است. توجه امام خمینی به این مسئله، در مباحث تقیه و در سه عرصه آشکار شده است: ۱. تفکیک تقیه مداراتی از سایر اقسام تقیه و بیان حکم تکلیفی و محدودۀ این تقیه؛ ۲. اجزای عمل تقیه‌ای و کفایت آن از مأمور به واقعی؛ ۳. مشروط نبودن عمل به تقیه به عدم مندوحه و اعمال حيله.

با تبیین دیدگاه‌های امام خمینی در این سه عرصه و مقایسه آن با دیدگاه دیگر فقیهان، پرسش اصلی این پژوهش؛ یعنی جایگاه تقریب و همگرایی در اندیشه فقهی امام خمینی، منقح و روشن می‌شود.

دیدگاه امام خمینی در تقیه مداراتی در دو مقاله از مقالات فصلنامه «میقات حج»، مورد توجه قرار گرفته است:

۱. «تقیه مداراتی»، نوشته محمد رحمانی؛ در این مقاله، ضمن طرح روایات تقیه مداراتی، به اجزا در این تقیه اشاره شده و بعد از طرح آرای امام خمینی و آیت‌الله خویی، از دیدگاه حضرت امام دفاع شده و در ادامه، گسترۀ این تقیه نسبت به موضوعات بیان گردیده است؛

۲. «حد و حکمت مدارا»، نوشته محمد سروش محلاتی؛ در این مقاله آرای فقهی شیخ

انصاری، امام خمینی و آیت‌الله خوئی درباره تقیه مداراتی مقایسه شده است. در مقاله‌ای با عنوان «نقش حج در تقریب مذاهب اسلامی و وحدت مسلمانان از نگاه امام خمینی» نیز بیانات و سخنرانی‌های امام خمینی در رابطه با مقوله وحدت و فریضه حج جمع‌آوری شده است، اما رویکرد مقاله مزبور غیر فقهی است. در پژوهش پیش رو، افزون بر تقیه مداراتی، آرای امام خمینی در دو عرصه دیگر نیز بررسی شده و با آرای فقهای دیگر مقایسه شده است. این آرا حاکی از توجه ایشان به مسئله تقریب و همگرایی است و بر این مسئله اساسی تأثیر گذار است.

۱. تقیه مداراتی از نگاه امام خمینی

یکی از تقسیمات تقیه در کلمات امام خمینی، تقسیم آن، به «خوفی»، «مداراتی» و «کتمانی» است (خمینی، ۱۴۲۰، ص ۸؛ همو، بی تا، ص ۵۲۹ و ۵۳۷). در ادامه برای تفکیک اقسام تقیه به صورت اجمالی، تقیه خوفی و تقیه کتمانی نیز تبیین می‌شود:

تقیه خوفی تقیه‌ای است که موضوع آن خوف متقی بر وقوع ضرر یا خطر بر نفس یا مال یا آبرو است. گاهی این خوف به حد اکراه و اجبار می‌رسد و گاهی نمی‌رسد. پس ملاک تشریح این تقیه تحقق عنوان خوف یا عنوان اکراه است.

تقیه کتمانی به معنای پوشاندن و مخفی کردن اعتقادات و اسرار اهل بیت علیهم‌السلام و حقائق مذهب شیعه است؛ ولو خوفی در میان نباشد (خمینی، ۱۴۰۲، ص ۸). این تقیه در واقع نوعی عمل قلبی است و ظهور و بروز خارجی و عملی ندارد.

تقیه مداراتی، تقیه‌ای است که مطلوب در آن، یکپارچگی و وحدت کلمه با جلب محبت مخالفین است؛ بدون اینکه مانند تقیه خوفی خوف ضرری در بین باشد (همانجا).

حاصل کلمات امام خمینی و فقهای دیگری که این تقیه را تفکیک کرده‌اند (روحانی، بی تا، ج ۱۱، ص ۴۲۱؛ مکارم، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۴۱۰؛ سبحانی، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۳۴) این است که تقیه مداراتی یعنی خوش‌برخوردی و همزیستی مسالمت‌آمیز با اهل سنت به دو جهت: ۱. حفظ و ایجاد همگرایی و وحدت بین مسلمین و تقویت بخشیدن به اسلام و مسلمین در مقابل کفار و مشرکین؛ ۲. جلب محبت عامه و جذب آنها تا پیروان مذهب اهل بیت سرزنش و خوار نشوند؛ بلکه مذهب شیعه و شیعیان تقویت گردند.

حکم تکلیفی تقيه مداراتی

از نگاه امام خمینی عمل به تقيه مداراتی واجب است و جواز، بلکه وجوب آن، به خوف بر نفس یا غیر آن متوقف نیست؛ بلکه مصالح نوعیه سبب شده است این تقيه در مواجهه با مخالفین واجب گردد. پس این نوع تقيه و کتمان سر واجب است؛ ولو ایمن باشد و بر نفسش یا غیر آن خوف نداشته باشد (خمینی، ۱۴۲۰، ص ۷۱).

امام خمینی در ضمن مسائلی در این باره فرموده‌اند:

مسئله ۱: در وقتی که در مسجد الحرام یا مسجد النبی نماز جماعت منعقد شد، مؤمنین نباید از آنجا خارج شوند و باید از جماعت تخلف نکنند و با سایر مسلمین به جماعت نماز بخوانند.

مسئله ۳: در مکه و مدینه در مسافرخانه و هتل نباید نماز را به جماعت بخوانند و می‌توانند در جماعت سایر مسلمین در مساجد شرکت کنند و نماز را به جماعت بخوانند. (همو، بی‌تا، ب، ص ۳۲۲).

«...لازم است برادران ایرانی و شیعیان سایر کشورها از اعمال جاهلانه، که موجب تفرق صفوف مسلمین است احتراز کنند و لازم است در جماعات اهل سنت حاضر شوند و از انعقاد و تشکیل نماز جماعات در منازل و گذاشتن بلندگوهای مخالف رویه اجتناب نمایند و از افتادن روی قبور مطهره و کارهایی که گاهی مخالف شرع است جداً اجتناب کنند...» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۶۲)

دلایل وجوب تقيه مداراتی

دلیل اول: مصلحت وحدت

بنابر آنچه در عبارت امام خمینی آمده است، «مصلح نوعیه» - یعنی مصالحی مثل وحدت، انسجام و همگرایی بین مسلمین - سبب وجوب این تقيه شده است. مصلحت وحدت و همگرایی از مصالح مهم و لزومی نزد شارع شمرده می‌شود و در تراحم با مصلحت موجود در ترک تقيه و ادای مأموریه واقعی، این مصلحت مقدم است و به حکم آن، باید به این تقيه عمل کرد. بنابراین، وجوب این تقيه دائر مدار این مصلحت است و به حسب موارد، مختلف

خواهد بود و گاه حکم را به حد لزوم می‌رساند؛ مثل مواقعی که حاجیان ایرانی در موسم حج در نماز جماعت شرکت می‌کنند و خروج آنها از مسجد در هنگام برپایی نماز جماعت، آثار منفی در پی خواهد داشت.

دلیل دوم: روایات تقيه

منظور از روایات تقيه، روایاتی است که در آنها لفظ «تقيه» آمده است و بر وجوب مطلق تقيه (خوفی و مداراتی) دلالت می‌کند. ظاهر کلمات امام خمینی این است که عنوان «تقيه» در روایات در معنای اعم به کار رفته و تقيه مداراتی را نیز شامل می‌شود (خمینی، ۱۴۲۰، ص ۴۹). بنابراین می‌توان در استدلال بر وجوب تقيه مداراتی به روایاتی که بر وجوب مطلق تقيه دلالت می‌کند، استناد کرد؛ مانند صحیحه معمر بن خلاد: «التَّقِيَّةُ مِنْ دِينِي وَ دِينِ آبَائِي، وَ لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ». و صحیحه أبان: «لَا دِينَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ وَ لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۲۰۴ و ۲۱۰).

سیاق این روایات در نفی تدین و ایمان از کسی که تقيه نمی‌کند، بیانگر اهمیت اکید و وجوب تقيه است و با توجه به مبنای امام خمینی بر اینکه عنوان «تقيه» بر مطلق تقيه اطلاق می‌شود و همچنین نبودن قرینه‌ای بر اراده خصوص تقيه خوفی، این روایات تقيه مداراتی را نیز شامل می‌شود و از آنجا که متقی فیه (فعلی که در آن تقيه می‌شود) در آن ذکر نشده است، نسبت به آن اطلاق مقامی دارد و فرض مخالفت با تکلیف الزامی؛ مانند نماز را شامل می‌شود؛ یعنی فرضی که به دلیل تقيه، بر خلاف وظیفه شرعی الزامی عمل شود.

دلیل سوم: روایات تقيه مداراتی

روایات زیادی در تقيه مداراتی ظهور دارند یا حداقل، مطلق‌اند و اطلاقتشان تقيه مداراتی را نیز شامل می‌شود؛ چون حمل این روایات بر تقيه خوفی و صورتی که خوف ضرری در میان باشد، حمل بدون دلیل یا حمل بر فرد نادر است (ر.ک: حیدری، ۱۳۹۶ش، شماره ۱۰۱، ص ۳۳). در بین روایات تقيه مداراتی، آن روایاتی می‌تواند مورد استناد قرار گیرد که اولاً ظهور در وجوب داشته باشد؛ ثانیاً تکالیف الزامی؛ مانند نماز در آنها بیان شده باشد؛ مانند

صحیحہ ہشام کندی کہ در بحث اجزای عمل مقرون بہ تقیہ مداراتی، مورد استناد امام خمینی قرار گرفته است:

«إِيَّاكُمْ أَنْ تَعْمَلُوا عَمَلًا نُعِيرُ بِهِ فَإِنَّ وَلَدَ السَّوِّءِ يُعِيرُ وَالِدَهُ بِعَمَلِهِ كُونُوا مِنَ انْقَطَعَتْمْ إِلَيْهِ زِينًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْهِ شَيْنًا صَلُّوا فِي عَشَائِهِمْ وَعُودُوا مَرْضَاهُمْ وَاشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَلَا يَسْبِقُونَكُمْ إِلَى شَيْءٍ مِنَ الْخَيْرِ فَأَنْتُمْ أَوْلَى بِهِ مِنْهُمْ وَاللَّهُ مَا عِبَدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ الْخُبِّ قُلْتُ وَمَا الْخُبُّ قَالَ التَّقِيَّةُ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۲۱۹).

از انجام دادن عملی که ما را به سبب آن سرزنش کنند، بر حذر باشید؛ چون پدر به سبب عمل فرزند بدش سرزنش می‌شود. برای کسانی که به سوی آنها منقطع شده‌اید (ائمه اطهار) زینت باشید و مایه زشتی برای ما نباشید. در قبایل آنها (مخالفین) نماز بخوانید و مریضان آنها را عیادت کنید و در تشییع جنازه آنها حاضر شوید و مبادا بر شما در کار خیری سبقت بگیرند. شما به کار خیر از آنها سزاوارتر هستید. به خدا قسم خداوند به چیزی بهتر از خبء پرستیده نشده است. گفتم: خبء چیست؟ فرمودند: تقیه.

«صَلُّوا فِي عَشَائِهِمْ» در روایت، امر به نماز خواندن با اهل سنت است و هیئت «افعل» (صیغه امر) بر اساس مبانی امام خمینی، می‌تواند دلیل بر وجوب باشد. توضیح اینکه بدون شک صیغه «افعل» بر مطلوبیت و محبوبیت فعل نزد شارع دلالت می‌کند؛ اما بحث در این است که آیا در وجوب ظهور دارد یا استحباب و یا جامع بین این. از نظر مشهور، صیغه «افعل» به دلالت وضعی بر وجوب دلالت دارد. اما از نظر امام خمینی صیغه «افعل» وضعاً بر وجوب دلالت نمی‌کند، بلکه دلالت آن بر وجوب، به حکم عقلاست؛ یعنی عقلاً، صدور صیغه «افعل» را حجت عقلایی می‌دانند و اطاعت از آن را لازم، و مخالفت کننده با آن را مستحق عقاب می‌دانند؛ به این دلیل که نزد عقلا اطاعت امر لازم است تا زمانی که ترخیص و جوازی از جانب مولا وارد شود و لزوم اطاعت را بردارد (خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۵۷).

بر اساس این مبنا امام خمینی، جمله «صَلُّوا فِي عَشَائِهِمْ» در روایت هشام بر وجوب نماز با عامه دلالت می‌کند؛ گرچه او امر بعدی یعنی «عُودُوا مَرْضَاهُمْ وَاشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ» به دلیل وجود قرینه، در وجوب ظهور ندارند و بر مشروعیت یا استحباب این

موارد دلالت می‌کند؛ چون بر اساس مناسبت حکم و موضوع، احتمال داده نمی‌شود که عبادت مریضان و شرکت در تشییع جنازه آنها واجب باشد. اما درباره نماز با آنها احتمال وجوب داده می‌شود و ممکن است شارع به نماز خواندن با آنها امر الزامی کرده باشد. پس این امر درباره نماز بر ظهورش (وجوب) باقی است؛ مگر اینکه کسی در مورد نماز هم ادعای وجود قرینه کند. البته با توجه به صدر روایت که از انجام دادن عملی که موجب سرزنش ائمه شود نهی می‌کند، وجوب نماز خواندن با آنها به نحو مطلق نیست؛ بلکه اگر سرزنش ائمه را به دنبال نداشته باشد، وجوب ندارد.

اما بنا بر مبنای ظهور وضعی (نظر مشهور)، تفکیک بین اوامر، صحیح نیست؛ بلکه همه اوامر یا بر وجوب دلالت می‌کنند که بعید به نظر می‌رسد، یا همه بر استحباب دلالت می‌کنند که مدعای ما را اثبات نمی‌کند.

محدوده تقیه مداراتی از نگاه امام خمینی

در ناحیه متقی منه (شخص یا اشخاصی که از آنها تقیه می‌شود)

ظاهر این است که تقیه مداراتی به تقیه از عامه (اهل سنت) اختصاص دارد؛ همچنان که مورد بسیاری از روایات تقیه، همین است (خمینی، ۱۴۲۰، ص ۷۰). امام خمینی سرّ تشریح این تقیه را صلاح حال مسلمین و حال شیعیان دانسته‌اند که هر دو مورد به تقیه از عامه تعلق دارد (همانجا).

بر این اساس، تقیه مداراتی به تقیه از عامه اختصاص دارد و درباره غیر عامه؛ یعنی کافر یا حاکم شیعی، جریان ندارد و نمی‌توان از باب مدارا، بدون داشتن خوف، اعمالی را موافق آنها انجام داد. این تقیه در مقابل نواصب و غلات هم جریان ندارد؛ چون این دو فرقه به کفار ملحق‌اند.

در ناحیه متقی فیه (فعلی که در آن تقیه می‌شود)

در مورد متقی فیه، موارد منصوص در روایات تقیه مداراتی عبارت است از: نماز جماعت با عامه و شرکت در اجتماعات آنها؛ مانند تشییع جنازه، عبادت مریضان و حضور در محاکم قضایی آنها. اما آیا تقیه مداراتی به موارد منصوص در روایات اختصاص دارد

و همراهی و مماشات با دیگر فرق اسلامی در موارد دیگر مُجاز نیست؟ یا موارد منصوص از باب ذکر مثال است و خصوصیت ندارد و این تقیه به لحاظ متقی فیه عمومیت دارد؛ به عبارتی دیگر این موارد به عنوان مصادیق روشنی از اصلی کلی در روایات بیان شده است و نباید مورد را مخصص دانست؟

ظاهر کلمات امام خمینی، عمومیت تقیه مداراتی در ناحیه متقی فیه است. استناد ایشان به مصلحت نوعیه در وجوب تقیه مداراتی، بیانگر عمومیت این تقیه در ناحیه متقی فیه است؛ افزون بر اینکه در ذیل صحیحۀ هشام کندی آورده‌اند:

«ظاهر روایت، ترغیب بر عمل کردن بر طبق عقیده و خواست عامه و انجام دادن نماز در اجتماعات آنهاست و در مورد سایر اعمال نیک نیز همین گونه است.» (همان، ص ۵۷).
 پس در بین عبادات، هر عبادت دسته جمعی در صورتی که مصلحت وحدت را به دنبال داشته باشد، می تواند مصداق این تقیه باشد؛ مثلاً در وقوف در عرفات با عامه گاهی موضوع تقیه مداراتی محقق می شود و همراهی با عامه به منظور حفظ وحدت و انسجام مسلمین صورت می گیرد.

دیدگاه امام خمینی در مورد تقیه مداراتی و تأثیر آن در تقریب و همگرایی مسلمین

امام خمینی، تقیه مداراتی یکی از اقسام تقیه شمرده و آن را قسیم تقیه خوفی و تقیه کتمانی قرار داده است. در مقابل این نظر امام خمینی، دو دیدگاه دیگر مطرح است:

۱. شیخ انصاری؛ از نظر ایشان تقیه مداراتی از اقسام تقیه خوفی است. این تقیه به نحو مطلق مشروع نیست؛ بلکه خوف ضرر تدریجی در تحقق آن شرط است (انصاری، ۱۴۱۴، ص ۷۳).

۲. آیت الله خوئی؛ ایشان این تقیه را از تقیه خوفی تفکیک کرده، ولی آن را از مقسم تقیه خارج دانسته‌اند؛ چون از نظر ایشان، خوف ضرر، مقوم تحقق تقیه است و با انتفای ضرر، اطلاق تقیه، حقیقی نیست (خوئی، ۱۴۱۸، ج ۵، صص ۳۱۸ - ۳۱۴).

یکی از معاصران در این زمینه می نویسد:

«تقیه مداراتی، هر چند در فقه شیعه مورد توجه قرار گرفته، ولی غالباً با سخت گیری هایی توأم بوده است که برای عوام شیعه، کمتر جاذبه داشته [است] و آنها

ترجیح می‌داده‌اند که خود را از صحنه تقیه مداراتی خارج ساخته و حداقل امکان اعمال عبادی خود را به شکل انفرادی و دور از چشم عامه و با اطمینان خاطر به صحت آن و رعایت حدود خاص آن، انجام دهند.» (سروش محلاتی، ۱۳۷۸).

اما امام خمینی، با بینش و نگرش کم‌نظیر و موشکافانه به منابع و مدارک احکام، تقیه مداراتی را استنباط کرده و آن را از سایر اقسام تقیه تفکیک کرده است. نگاه امام خمینی، با نگاه دیگران به تقیه مداراتی از نظر ماهیت، حکم و جایگاه، متفاوت است. ایشان در ماهیت این تقیه، جز جلب محبت و ایجاد مودت و وحدت و یکپارچگی مسلمین، چیزی را شرط نمی‌دانند و به اینکه این تقیه، دایره مدار خوف نیست و در ماهیت آن خوف ضرر دخالت ندارد، تصریح کرده‌اند. افزون بر اینکه، در دیدگاه ایشان عنوان تقیه در روایات فراوان این باب، بر تقیه مداراتی نیز اطلاق شده است.

این اختلاف نگاه درباره تقیه مداراتی، از اهمیت تقیه مداراتی و تأکید بر مقوله انسجام و وحدت مسلمین در اندیشه فقهی ایشان حکایت دارد و بیانگر اهتمام مذهب تشیع به همزیستی مسالمت‌آمیز با مذاهب اسلامی است و در رابطه با تحقق وحدت و اخوت اسلامی و بر طرف شدن اختلافات مذاهب اسلامی، نقش مهمی ایفا می‌کند.

میقات

دیدگاه امام خمینی در حکم تکلیفی تقیه مداراتی و قول به وجوب و لزوم عمل به آن نیز بیانگر اهمیت وحدت و انسجام مسلمین در اندیشه امام خمینی است. این دیدگاه، محرک و ترغیب‌کننده شیعیان برای حضور در اجتماعات عامه است و بر تقریب و همگرایی مسلمین تأثیر زیادی می‌گذارد؛ همچنان که بعد از انقلاب اسلامی و با فتوای ایشان، در موسم حج، حضور شیعیان در اجتماعات اهل سنت و نمازهای جماعت مسجدالحرام و مسجدالنبی بیشتر شد و این مسئله در همگرایی مسلمین و رفع تهمت‌ها از شیعیان و ایرانیان تأثیرگذار بود.

دیدگاه دیگر امام خمینی در رابطه با تقیه مداراتی؛ محدوده این تقیه در ناحیه متقی فیه است. از نظر برخی فقها، در این تقیه باید به موارد منصوص در روایات - یعنی معاشرت با عامه و نماز با آنها - اکتفا کرد و در سایر موارد مجالی برای این تقیه وجود ندارد (انصاری، ۱۴۱۴، ص ۷۵؛ خویی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۳۱۵)، اما در دیدگاه امام خمینی این تقیه در غیر موارد منصوص نیز جریان دارد. تعمیم این تقیه به غیر موارد منصوص و قاعده کلی دانستن آن، از جایگاه مهم این تقیه و اهمیت تقریب و اتحاد مسلمین در اندیشه فقهی امام خمینی حکایت دارد و موجب ایجاد وحدت و همگرایی بین مسلمین و حفظ آن می‌شود.

حال آنکه تفکیک تقیه مداراتی از سایر اقسام تقیه و دخیل نبودن خوف در ماهیت این تقیه، اطلاق عنوان تقیه در روایات بر این تقیه، و خوب عمل به این تقیه در اوضاع کنونی و در مثل موسم حج و عدم انحصار این تقیه در ناحیه متقی فیه به موارد منصوص در روایات، از اهمیت تقریب و همگرایی در اندیشه فقهی امام خمینی حکایت دارد.

۲. اجزا و کفایت عمل تقیه‌ای از مأمور به واقعی

آیا عملی که از باب رعایت تقیه، موافق عامه و بر خلاف فقه شیعه انجام می‌شود، مجزی است یا باید اعاده یا قضا شود؟ در اندیشه فقهی امام خمینی، عمل مقرون به تقیه؛ چه خوفی باشد و چه مداراتی، مجزی از واقع است و اعاده یا قضای آن لازم نیست.

استفتائات زیادی درباره نماز جماعت با عامه از محضر ایشان شده است مبنی بر اینکه با توجه به خلل و موانعی که در نماز جماعت با عامه پیش می‌آید - از دست بسته نماز خواندن، گفتن آمین، سجده بر فرش، نماز قبل از وقت و ... - آیا نماز نیاز به اعاده ندارد؟ در همه این سؤالات، پاسخ ایشان اجزا و عدم لزوم اعاده عمل است و در اجزای آن، به صدق عناوین خوف، اکراه، اضطرار یا ضرورت نیاز نیست. بلکه ایجاد مودت و وحدت میان مسلمانان برای حکم به اجزا کافی است (ر.ک: خمینی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۱۳۱، ۶۱۱، ۶۱۲ و ج ۳، ص ۶۱۱؛ همو، بی تا، ب، ص ۳۲۸).

امام خمینی به عنوان احیاگر حج ابراهیمی، حج را نقطه اصلی دعوت مسلمین جهان به اتحاد و وحدت کلمه می‌دانند (همو، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۶۱ و ج ۲۰، ص ۳۴۴) و در مسئله وقوف در عرفات نیز که باید در روز نهم ذی‌الحجه باشد، در صورت شک در ثبوت هلال یا قطع به عدم ثبوت، فتوای ایشان اجزای وقوف همراه عامه است (همو، بی تا، ص ۵۵۴؛ همو، بی تا، ج ۱، ص ۴۴۲؛ همو، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۶۲). ایشان در مورد شیعیانی که وقوف را دوباره در خفا انجام می‌دهند، به «شیعیان جاهل عصر ما» تعبیر کرده‌اند (همو، ۱۴۲۰، ص ۵۹؛ همو، بی تا، الف، ص ۹).

دلایل اجزای عمل مقرون به تقیه از نگاه امام خمینی

بحث از اجزا یا عدم اجزا در عمل تقیه‌ای در جایی است که مکلف مصداقی از مأموریه را انجام داده و به دلیل تقیه، در عملش تغییری ایجاد کرده و جزء یا شرطی را ترک کرده یا مانعی ایجاد کرده است؛ مثلاً نماز را بدون سوره یا دست‌بسته خوانده یا تا آخر غروب خورشید روزه گرفته است. اما در جایی که به دلیل تقیه، اصل مأموریه را ترک کرده - مثل اینکه نماز یا روزه را ترک کرده است - بحث از اجزا یا عدم اجزا معنا ندارد و بدون شک باید مأموریه را انجام دهد و روزه یا نماز خود را قضا کند (حکیم، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۴۰۷؛ خمینی، ۱۴۲۰، ص ۴۱؛ همو، بی تا، ص ۵۵۴؛ خوبی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۳۰۱).

امام خمینی در تبیین قول به اجزای عمل تقیه‌ای به روایاتی استناد و آن را در سه دسته مطرح کرده‌اند:

دسته اول؛ روایاتی که بر اجزا در تقیه اضطراری (خوفی) دلالت می‌کند؛ مانند صحیحۀ فضلا:

«التَّقِيَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ يُضْطَرُّ إِلَيْهِ ابْنُ آدَمَ فَقَدْ أَحَلَّهُ اللَّهُ لَهُ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۲۱۴).

«تقیه در هر چیزی که انسان به آن مضطر شود، مشروع است و خداوند آن را برای او حلال کرده است.»

امام خمینی در تقریب استدلال به این روایت فرموده‌اند:

«حلال، شامل حلال تکلیفی و وضعی می‌شود و مراد از آن، مطلق رفع منع (چه منع تکلیفی چه وضعی) از هر چیزی است که انسان به آن مضطر شود؛ مانند آیه شریفه: ﴿أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ﴾ (بقره: ۲۷۵) که ظاهر در عمومیت حلیت است و همیشه مورد تمسک علما برای نفوذ بیع بوده است و حلال در عرف، لغت، کتاب و حدیث، مختص تکلیف نیست و شکی در این ظهور نیست؛ خصوصاً با توجه به اینکه در آن زمان‌ها تقیه منحصر به تقیه از اهل سنت بوده است و موارد ابتلای شیعیان در مواقع تقیه به تکلیفات، مثل نوشیدن نبیذ، نادر بوده است. ولی ابتلای آنها به وضعیات در طول شبانه‌روز بسیار بوده است. پس انحصار حلیت در روایت، به حلیت تکلیفی، صحیح نیست (خمینی، ۱۴۲۰، ص ۴۶).

دسته دوم؛ روایاتی که بر اجزا در مواردی دلالت می‌کند که عنوان تقيه‌ای اقتضا دارد مأمور به بر خلاف حق اتیان شود (روایاتی که موضوع آنها عنوان تقيه است). امام خمینی بعد از نقل این دسته از روایات فرموده‌اند: «ولا يخفى: أن هذه الطائفة أعمّ موردًا من الطائفة الأولى. بل يستفاد من بعضها الإجزاء في التقيّة المداراتية» (همان، ۱۴۲۰، ص ۵۸ - ۴۸) از این عبارت روشن می‌شود که از نظر ایشان عنوان تقيه در روایات در معنای اعم استعمال شده است.

امام خمینی در دسته دوم، نه روایت نقل کرده‌اند که در ادامه به دو روایت که بر اجزا در مطلق تقيه (خوفی و مداراتی) دلالت می‌کند، اشاره می‌شود:

۱. موثقه مسعدة بن صدقه:

«... فَكُلُّ شَيْءٍ يَعْمَلُ الْمُؤْمِنُ بَيْنَهُمْ لِيَكَانَ التَّقِيَّةَ مِمَّا لَا يُؤَدِّي إِلَى الْفَسَادِ فِي الدِّينِ فَإِنَّهُ جَائِزٌ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۲۱۶).

«هر عملی که مؤمن در بین عامه، به دلیل جایگاه تقيه، انجام دهد، تا زمانی که فساد در دین را در پی نداشته باشد، جایز است.»

از نظر امام خمینی، جواز به معنای نفوذ و تأیید است و اعم از جواز تکلیفی و وضعی است؛ نظیر جواز در روایت «الصُّلْحُ جَائِزٌ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ» (همان، ۱۴۰۹، ج ۱۸، ص ۴۴۳). پس عمل تقيه‌ای علاوه بر اینکه از نظر تکلیفی جایز است، از نظر وضعی نیز مجزی است. ایشان در نهایت فرموده‌اند: «این موثقه، بر خلاف دسته اول روایات، عام است و شامل تقيه اضطراری (خوفی) و مداراتی می‌شود» (خمینی، ۱۴۲۰، ص ۴۹).

۲. صحیح ابوالصباح:

«مَا صَنَعْتُمْ مِنْ شَيْءٍ أَوْ حَلَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ يَمِينٍ فِي تَقِيَّةٍ فَأَنْتُمْ مِنْهُ فِي سَعَةٍ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۳، ص ۲۲۴)

«هر آنچه در حالت تقيه انجام داده‌اید یا بر آن قسم خورده‌اید، شما نسبت به آن توسعه دارید.»

از نظر امام خمینی تعبیر سعه در روایت، دلالت می‌کند که اگر مکلف به دلیل تقيه، زیادی یا نقصانی در مأمور به ایجاد کند، نسبت به آن عمل در سعه است و اعاده یا قضا

بر عملش مترتب نمی‌شود؛ چون بطلان عمل و لزوم اعاده یا قضا، در واقع نوعی تضییق است (خمینی، ۱۴۲۰، ص ۵۰).

مستندات دیگر ایشان در اجزای عمل تقيه‌ای، تعبیری همچون مأجور بودن مکلف بر عمل تقيه‌ای، محبوبیت اخذ به رخصت‌ها در شریعت و محبوبیت انجام دادن عبادت پنهانی؛ یعنی عمل تقيه‌ای نزد خداوند است که این تعبیر نیز در صحت و اجزای عمل تقيه‌ای ظهور دارد (همان، ۱۴۲۰، صص ۵۶-۵۱؛ همو، بی‌تا، صص ۵۵۲-۵۵۰).

دسته سوم؛ روایاتی که بر اجزا در تقيه مداراتی دلالت می‌کند؛ مانند صحیح هاشم کندی که در تبیین حکم تکلیفی تقيه مداراتی گذشت. از نظر امام خمینی در این صحیح، به عمل کردن بر طبق عقیده عامه و نماز خواندن در جمع آنها و... ترغیب شده است. از طرفی حضور در جمع آنها مستلزم ترک بعضی از اجزا و شرایط و انجام دادن بعضی از موانع است. ذیل روایت شریفه نیز که می‌فرماید: « وَ اللَّهُ مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ الْخُبَاءِ »، برای دفع استبعاد شیعیان است که تصور می‌کنند عمل مخالف واقع، صحیح نیست؛ در حالی که حضرت فرموده‌اند: «بلکه این عمل از بهترین عبادات است» (همو، ۱۴۲۰، ص ۵۷).

اجزا در نماز جماعت

مهم‌ترین و آشکارترین مصداق تقيه خوفي و مداراتی، نماز جماعت با عامه است که بیش از مصادیق دیگر تقيه، مورد ابتلاست و هیچ یک از اعمال حج نمی‌تواند مانند نماز جماعت حرمین شریفین، وحدت آفرین و دشمن شکن باشد.

امام خمینی در استدلال بر اجزا و صحت نماز پشت سر عامه به هفت روایت تمسک کرده‌اند؛ یکی از این روایات، صحیح حمادبن عثمان است که اعم از تقيه خوفي و مداراتی است: «مَنْ صَلَّى مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ كَانَ كَمَنْ صَلَّى خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۲۹۹). امام خمینی در ذیل روایت فرموده‌اند:

«شکی نیست که نماز با پیامبر خدا ﷺ صحیح و دارای فضیلت بسیار است. پس نماز پشت سر عامه هم این صحت را خواهد داشت.» (خمینی، ۱۴۲۰، ص ۶۴).

ایشان در ادامه روایات متعارض را بیان داشته‌اند. این روایات، یا بر لزوم اعاده نماز پس از جماعت با آنها، یا ادای نماز قبل از جماعت با آنها، دلالت می‌کند، یا بر بطلان نماز جماعت با آنها و اینکه آنها به منزله دیوار هستند. ولی حضرت امام با بررسی این روایات، ضمن اشکال سندی در بعضی از آنها، مناقشه دلالتی کرده و بر آن شده‌اند که این به جهت لزوم حمل ظاهر بر نص، باید این روایات را بر استحباب حمل کرده، یا اینکه بگوییم این روایات بیانگر حکم اولی در مسئله اقتداست و بر شرایط تقیه، که به عنوان حکم ثانوی جعل شده است، دلالت ندارند (همان، ۱۴۲۰، صص ۶۹-۶۷).

دیدگاه امام خمینی در اجزای عمل تقیه‌ای و تأثیر آن در همگرایی و تقریب مسلمین

قول به اجزای عمل مقرون به تقیه خوفی در بین فقهای شیعه طرفدارانی دارد (کاشف الغطاء، بی تا، ج ۱، ص ۳۰۰؛ انصاری، ۱۴۱۴، ص ۹۲؛ همدانی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۴۳۶؛ حکیم، ۱۴۱۶، ج ۸، ص ۳۲۱). اما در دیدگاه امام خمینی عمل مقرون به تقیه؛ چه خوفی و چه مداراتی، مجزی است و بنا بر تتبع نگارنده، ایشان اولین فقیهی است که این قول را برگزیده‌اند و دلیل ایشان بر این رأی، افزون بر اقتضای روایاتی همچون صحیح همام کندی، نگاه دقیق و عمیق ایشان به مقوله تقریب و همزیستی مسالمت آمیز جمعیت شیعه با اهل سنت است. این رأی از اهمیت تقریب و همگرایی در اندیشه فقهی ایشان نشئت گرفته و نقش بسزایی در همگرایی و وحدت مسلمین دارد و شیعیان با رغبت و علاقه در اجتماعات اهل سنت همچون نماز و حج شرکت می‌کنند و با خاطری آرام، اعمال عبادی خود را انجام می‌دهند.

اما قول به عدم اجزا و لزوم اعاده یا قضای عمل تقیه‌ای، بی رغبتی و بی میلی شیعیان برای حضور در اجتماعات اهل سنت را در پی دارد و مخالف حکمت تشریح تقیه است؛ چرا که تشریح تقیه برای حفظ مؤمنین، رفع اختلاف، تحقق وحدت و همگرایی و تسهیل و امتنان بر شیعیان است و این حکمت‌ها اقتضا دارد که عمل تقیه‌ای صحیح و مجزی باشد و اعاده یا قضای آن لازم نباشد.

مسئله اجزای نماز جماعت با عامه نیز از مسائلی است که از قدیم محل اختلاف و بحث بوده است. برخی از فقها، جماعت با عامه را صوری می‌دانند؛ به این معنا که

نماز گزار پشت سر امام جماعت قرار می‌گیرد و در صفوف جماعت حاضر می‌شود و اعمال نماز را با آنها به جا می‌آورد، ولی به امام اقتدا نمی‌کند و قرائت نماز را، ولو به نحو آهسته، خود انجام می‌دهد (نجفی، بی تا، ج ۱۳، صص ۱۹۸-۱۹۵؛ خوئی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۳۱۳).

برخی نیز همچون محقق نراقی و حضرت امام، نماز جماعت با عامه را حقیقی و مجزی از مأمور به واقعی می‌دانند و اعاده یا قضای آن را لازم نمی‌دانند (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۵۲). بلکه از نظر امام خمینی این عبادت از برترین و بهترین عبادات است.

بر اساس دیدگاه دوم، حضور شیعیان در نماز جماعت عامه بیشتر و پررنگ‌تر است و مکلف بدون دغدغه، با آرامش خاطر و با میل و رغبت، نماز خود را در صفوف عامه به جا می‌آورد. این دیدگاه در تقریب و انسجام مسلمین نیز نقشی مهم و اساسی دارد. اما دیدگاه اول، علاوه بر ایجاد مشقت برای مکلفین، با روایاتی مانند صحیحۀ حماد که نماز پشت سر عامه را همچون نماز پشت سر پیامبر خدا قرار داده است مخالفت دارد؛ چرا که مفاد این روایات صحت جماعت و اقتداست، نه جماعت صوری.

۳. شرط نبودن عدم مندوحه در تقیه

یکی از مباحث مطرح در فقه تقیه، شرط بودن یا نبودن عدم مندوحه در عمل تقیه‌ای است. منظور از مندوحه، راه چاره و راه گریز است. مندوحه در باب تقیه یعنی توانایی مکلف از اتیان فردی از «مکلف به» که اجزا و شرایطش تمام، و فاقد موانع است (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۶۷). در عمل تقیه‌ای این بحث مطرح است که آیا جواز تقیه و اجزای عمل، به عدم مندوحه مشروط است؛ یعنی فقط در صورتی که مکلف توانایی ادای مأمور به واقعی را نداشته باشد، تقیه مشروعیت دارد و مجزی است، یا اینکه مشروعیت و اجزای عمل تقیه‌ای، حتی با داشتن مندوحه و راه گریز، ثابت است.

مندوحه دو گونه است؛ طولی و عرضی. مندوحه طولی آن است که مکلف بعد از تقیه بتواند مأمور به واقعی را اتیان کند؛ مثل اینکه مکلف در اوایل وقت نماز به تقیه مبتلا می‌شود و مثلاً باید دست بسته نماز بخواند؛ ولی در ادامه تقیه زایل می‌شود و توانایی خواندن نماز غیر تقیه‌ای دارد. در این قسم از مندوحه، توانایی زمانی مکلف لحاظ شده است.

مندوحه عرضی نیز آن است که مکلف در همان وقت تقيه، توانایی اتیان مأموربه واقعی را دارد که این خود دو مصداق دارد و به دو نحو محقق می‌شود:

۱. مکلف در زمان تقيه به مکان دیگری برود و مأموربه واقعی را انجام دهد؛ مثلاً از مسجد عامه خارج شود و در منزل نمازش را بخواند. در این قسم از مندوحه، توانایی مکانی مکلف لحاظ شده است؛

۲. مکلف در حین انجام دادن عمل تقيه‌ای، حيله‌ای به کار ببرد و مأموربه واقعی را انجام دهد؛ مثلاً کسی که در نماز جماعت عامه شرکت کرده، قرائت نماز را آهسته بخواند یا مثلاً در هنگام تکتف (دست بسته نماز خواندن) بین دو دستش فاصله بیندازد و داخل یک دستش را در پشت دست دیگری قرار ندهد؛ بلکه آنها را به هم نزدیک کند. پس فرض دوم از مندوحه عرضی از مصادیق حيله است که مکلف برای انجام دادن مأموربه واقعی، چاره‌جویی و ظاهرسازی می‌کند.

دیدگاه فقها و امام خمینی، در این مبحث بر مهم‌ترین مصداق تقيه؛ یعنی نماز جماعت با عامه تطبیق شده است. امام خمینی در این مسئله تفصیل داده و حکم عامه را از غیر عامه (مانند کفار) جدا کرده‌اند؛ به این صورت که در تقيه از غیر عامه، عدم مندوحه را شرط دانسته‌اند، اما در تقيه از عامه، عدم مندوحه را شرط ندانسته‌اند؛ چه مندوحه طولی، چه مندوحه عرضی با دو قسمش، و چه در تقيه خوفی، چه در تقيه مداراتی (خمینی، ۱۴۲۰، صص ۸۷-۷۷؛ همو، بی‌تا، صص ۵۶۰-۵۵۷).

امام خمینی در تبیین این تفصیل و درباره تقيه از غیر عامه فرموده‌اند:

«در تقيه از غیر مخالفین، عدم مندوحه شرط است، مطلقاً؛ چون دلیل تقيه از غیر مخالفین، روایاتی مثل حدیث رفع، «التَّقِيَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ يُضْطَرُّ إِلَيْهِ ابْنُ آدَمَ» و «التَّقِيَّةُ فِي كُلِّ ضَرُورَةٍ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۲۱۴) می‌باشد و با داشتن مندوحه و راه گریز، اضطرار یا ضرورت صدق نمی‌کند (خمینی، ۱۴۲۰، ص ۷۷).

در مورد تقيه از عامه، در فتاوا و استفتائات، سجده بر فرش‌های مسجدالنبی را اجازه داده‌اند و در این فرض، سجده در جایی که سنگ است یا بردن حصیر را لازم ندانسته‌اند (خمینی، بی‌تا، ب، ص ۳۲۷-۳۲۶). امام خمینی در کتب فقهی در تعلیل برای عدم اعتبار اقسام سه‌گانه مندوحه در تقيه از عامه این‌گونه فرموده‌اند:

مندوحه طولی؛ ایشان درباره مندوحه طولی و عدم اشتراط آن در عمل تقیه‌ای فرموده‌اند: «بدیهی است که حمل روایات زیادی که ظاهر در صحت و اجزاست بر جایی که مندوحه به این معنا وجود ندارد، حمل بر فرض نادر است. بلکه این حمل هیچ وجهی ندارد؛ به دلیل وضوح اینکه شیعیان در نماز خواندن یا نخواندن با آنها مختار بوده‌اند.» (خمینی، بی تا، ص ۵۵۸).

قسم اول از مندوحه عرضی؛ دلیل بر عدم اعتبار این قسم از مندوحه از نگاه امام خمینی، روایاتی است که در تشویق و ترغیب مردم در نماز خواندن با عامه وارد شده است. این روایات در جواز نماز خواندن با آنها ظهور دارد؛ ولو در فرضی که بخواهد از خانه به مسجد برود. بلکه روایاتی داریم که بر افضلیت نماز با آنها نسبت به نمازی که با آنها نباشد، دلالت می‌کند. ایشان در ادامه به روایاتی که بر اعتبار و اشتراط عدم این قسم از مندوحه دلالت می‌کند، با مناقشه سندی و دلالتی، پاسخ داده‌اند (همان، بی تا، ص ۵۶۲-۵۵۸).

قسم دوم از مندوحه عرضی؛ این قسم از مندوحه که همان اِعمال حیلہ در عمل است،

فرموده‌اند:

میقات

«روایات در اعتبار یا عدم اعتبار این قسم از مندوحه مختلف است. در بعضی از روایات به لزوم قرائت آهسته یا حدیث نفس اشاره شده است که بر اعتبار عدم مندوحه و لزوم اِعمال حیلہ دلالت می‌کند. بعضی از روایات بر عدم اعتبار این نوع از مندوحه دلالت می‌کند. در جمع بین این روایات، روایات دال بر اعتبار مندوحه را بر استجاب قرائت یا اختصاص اعتبار مندوحه به قرائت حمل کرده‌اند و روایات دال بر عدم اعتبار را تقویت کرده‌اند به اینکه حکم به اعتبار عدم مندوحه به این معنا، افزون بر اینکه خلاف ظاهر اخبار وارد در باب تقیه است، نقض غرض تشریح تقیه می‌باشد؛ چون نوع عوام نمی‌توانند با اِعمال حیلہ بر طبق واقع عمل کنند و چه بسا اراده اِعمال حیلہ می‌کنند، ولی به دلیل عدم آگاهی از کیفیت حیلہ، در خطر قرار می‌گیرند. پس ظاهراً مندوحه به این معنا هم معتبر نیست.» (همان، بی تا، ص ۵۶۲).

دیدگاه امام خمینی درباره شرط نبودن عدم مندوحه و اثر آن در همگرایی و تقریب مسلمین

در دیدگاه امام خمینی در تقیه از عامه، عدم مندوحه و نداشتن راه گریز، شرط نیست و اِعمال حیلہ در هنگام انجام دادن عمل تقیه‌ای، معتبر و لازم نمی‌باشد؛ چه تقیه

خوفی، چه مداراتی. به نظر می‌رسد همه کسانی که به تقیۀ مداراتی تصریح کرده و آن را از سایر اقسام تقیه تفکیک نموده‌اند، عدم مندوحه را، ولو در بعضی از اقسامش، شرط نکرده‌اند (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۳۸۵؛ خوبی، ۱۴۱۸، ج ۵، صص ۳۰۸-۳۱۴؛ اراکی، ۱۴۱۹، ص ۳۰۵). پس مکلف، هر چند بتواند عمل را در همان حال تقیه یا در فرصت یا مکانی دیگر بدون تقیه انجام دهد، با این حال مُجاز است عمل را به نحو تقیه‌ای انجام دهد.

دلیل بر عدم اشتراط، حکمت تشریح این تقیه است؛ چراکه حفظ و ایجاد وحدت و یکپارچگی بین مسلمین و جذب قلوب عامه، حکمت تشریح این تقیه است و این حکمت، اقتضا دارد که با وجود مندوحه، مکلف عمل را به نحو تقیه‌ای انجام دهد. بنابراین، اشتراط عدم مندوحه با حکمت تشریح این تقیه و ترغیباتی که به این تقیه شده است، منافات دارد و باعث می‌شود که شیعیان در اجتماعات عامه شرکت نکنند.

دلیل دیگر، اطلاق مقامی روایات است؛ یعنی تعبیری مثل «صَلُّوا مَعَهُمْ فِي مَسَاجِدِهِمْ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۷) و «مَنْ صَلَّى مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ كَانَ كَمَنْ صَلَّى خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ» (همان، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۲۹۹) اطلاق دارد؛ چه مکلف مندوحه داشته باشد و چه نداشته باشد.

اما در تقیه خوفی، اختلاف نظر است و عدم اشتراط، مورد پذیرش همه فقها قرار نگرفته و بعضی معتبر نبودن عدم مندوحه را پذیرفته‌اند (عاملی، ۱۴۱۲، ص ۴۸؛ عاملی، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۱۱۲؛ کرکی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۲۲؛ بحر العلوم، ۱۴۰۶، ص ۲۴). برخی نیز با نگاهی سخت‌گیرانه، به اعتبار عدم مندوحه قائل شده‌اند (عاملی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۲۲۳). برخی از فقها نیز در این مسئله مهم، تفصیلی داده‌اند که به جهت پرهیز از تطویل، از بیان آنها پرهیز می‌کنیم.

با این توضیحات، روشن می‌شود که بر اساس دیدگاه امام خمینی درباره مسئله اشتراط عدم مندوحه، شیعیان به انجام دادن عمل تقیه‌ای ترغیب می‌شوند و در اجتماعات اهل سنت شرکت می‌کنند و این نگاه می‌تواند بر تقریب و همگرایی مسلمین تأثیرگذار باشد. اما بنا بر اشتراط عدم مندوحه، مکلف با عمل به تقیه و در حضور در اجتماعات عامه، دچار مشکل می‌شود و در تنگنا و مشقت قرار می‌گیرد و باید توجه داشته باشد که شرط تقیه و بالتبع جواز تقیه محقق شده است یا نه.

نتیجه گیری

برای روشن شدن جایگاه تقریب و همگرایی و اهمیت آن در اندیشه فقهی امام خمینی، آرای ایشان در سه عرصه، بررسی و تبیین شد؛ دیدگاه امام خمینی در این سه عرصه از جایگاه مهم و اساسی تقریب و وحدت مسلمین حکایت می کند و براین مقوله مهم تأثیر بسزایی دارد:

۱. برداشت و استنباط تقيه مداراتی و تفکیک آن از سایر اقسام تقيه و نگاه متفاوت ایشان به این تقيه از نظر ماهیت، حکم و جایگاه، و مقید نبودن این تقيه به خوف ضرر (بلکه از نظر ایشان این تقيه جز جلب محبت و ایجاد مودت و وحدت و یکپارچگی مسلمین، به چیزی مقید نیست)، اطلاق عنوان تقيه در روایات بر این تقيه، و جوب عمل به این تقيه در اوضاع کنونی و در مثل موسم حج) اختصاص این تقيه در ناحیه متقی منه به عامه و عدم انحصار این تقيه در ناحیه متقی فیه به موارد منصوص در روایات و به مثابه قاعده کلی بودن روایات.

۲. قول به اجزای عمل مقرون به تقيه و عدم لزوم اعاده یا قضای آن، چه تقيه خوفی چه تقيه مداراتی، بلکه قول به اینکه نماز خواندن در جماعت عامه از بهترین و برترین اعمال است. اعم بودن عنوان حلیت از حلیت تکلیفی و وضعی، ظهور جواز در معنای نفوذ و امضا و عمومیت آن نسبت به حلیت تکلیفی و وضعی، عنوان سعه و توسعه مکلف نسبت به عمل تقيه ای و اطلاق مقامی در روایات تقيه از مستندات ایشان در بحث اجزاست و در مورد نماز جماعت به روایاتی همچون صحیح حماد استدلال کرده اند.

۳. مشروط نبودن تقيه از عامه، به عدم مندوحه و نداشتن راه گریز، و عدم لزوم اعمال حيله در هنگام انجام دادن عمل تقيه ای؛ چه در تقيه خوفی، چه در تقيه مداراتی. پس مکلف هر چند بتواند عمل را در همان حال تقيه یا در فرصت یا در مکانی دیگر بدون تقيه انجام دهد، با این حال مجاز است عمل را به نحو تقيه ای انجام دهد.

دیدگاه امام خمینی در این سه عرصه از جایگاه تقریب و انسجام مسلمین در اندیشه فقهی امام خمینی حکایت می کند و بر این مقوله تأثیر بسزایی می گذارد. جایگاه تقریب و همگرایی در سیره عملی و اندیشه عرفانی و اخلاقی امام خمینی نیز می تواند موضوع پژوهش پژوهشگران قرار بگیرد.

* قرآن کریم.

۱. اراکی، محمدبن علی (۱۴۱۹ق)، کتاب النکاح، نور نگار، قم، چاپ اول.
۲. انصاری دزفولی، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۴ق)، رسائل فقهیه، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم، چاپ اول.
۳. بجنوردی، سیدحسن بن آقابزرگ (۱۴۱۹ق)، القواعد الفقهیه، تحقیق مهدی مهریزی و محمدحسن درایتی، الهادی، قم، چاپ اول.
۴. بحر العلوم، سیدمهدی (۱۴۰۶ق)، الدرّة النجفیة - الدرّة البهیة فی الطهارة و الصلاة، دار الزهراء، بیروت، چاپ دوم.
۵. حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، تحقیق گروه پژوهش مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، قم، چاپ اول.
۶. حکیم، سیدمحسن طباطبایی، (۱۴۱۶ق)، مستمسک العروة الوثقی، مؤسسه دارالتفسیر، قم، چاپ اول.
۷. حیدری، محمدمحسن (۱۳۹۶ق)، «تقیه مداراتی در سنت و سیره پیشوایان معصوم»، میقات حج، شماره ۱۰۱، پاییز.
۸. خمینی، سیدروح الله موسوی (۱۳۷۸ق)، صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (علیه السلام)، تهران.
۹. خمینی، سیدروح الله موسوی (۱۴۱۵ق)، مناہج الوصول إلى علم الأصول، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (علیه السلام)، قم، چاپ اول.
۱۰. خمینی، سیدروح الله موسوی (۱۴۲۰ق)، الرسائل العشره، تحقیق گروه پژوهش مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (علیه السلام)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (علیه السلام)، قم، چاپ اول.
۱۱. خمینی، سیدروح الله موسوی (۱۴۲۲ق)، استفتائات، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ پنجم.
۱۲. خمینی، سیدروح الله موسوی (بی تا، الف)، کتاب الخلل فی الصلاة، چاپخانه مهر، قم، چاپ اول.

۱۳. خمینی، سیدروح الله موسوی (بی تا، ب)، مناسک حج، بی نا، بی جا.
۱۴. خمینی، سیدروح الله موسوی (بی تا)، تحریر الوسيلة، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، قم، چاپ اول.
۱۵. خمینی، سیدروح الله موسوی (بی تا)، کتاب الطهارة (تقریرات)، مقرر محمد فاضل موحدی لنکرانی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، قم.
۱۶. خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۸ق)، التنقیح فی شرح العروه الوثقی، مقرر میرزاعلی غروی، علمیه، قم، چاپ اول.
۱۷. روحانی، سیدمحمدصادق (بی تا)، فقه الصادق علیه السلام، بی نا، بی جا.
۱۸. سبحانی، جعفر (۱۴۲۳ق)، الانصاف فی مسائل دام فیها الخلاف، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم، چاپ اول.
۱۹. سبزواری، سیدعبدالاعلی (۱۴۱۳ق)، مهذب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام، مؤسسه المنار، قم، چاپ چهارم.
۲۰. سروش محلاتی، محمد (۱۳۷۸ق)، «حد و حکمت مدارا»، میقات حج، شماره ۳۰، زمستان.
۲۱. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۰۲ق)، روض الجنان فی شرح إرشاد الأذهان، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، چاپ اول.
۲۲. عاملی، محمد بن علی (۱۴۱۱ق)، مدارک الاحکام، تحقیق گروه پژوهش مؤسسه آل البيت علیهم السلام، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، بیروت، چاپ اول.
۲۳. عاملی، محمد بن مکی (۱۴۱۲ق)، البیان، تحقیق حصون محمد، بنیاد فرهنگی امام مهدی علیه السلام، قم، چاپ اول.
۲۴. کرکی، عاملی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، تصحیح گروه پژوهش مؤسسه آل البيت علیهم السلام، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، چاپ دوم.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ق)، القواعد الفقهیه، مدرسه امام امیر المؤمنین علیه السلام، قم، چاپ سوم.
۲۶. نجفی، کاشف الغطاء، جعفر بن خضر مالکی (بی تا)، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، چاپ اول.

۲۷. نجفی، محمدحسن (بی تا)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تحقیق عباس قوچانی و علی آخوندی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ هفتم.

۲۸. نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ق)، مستند الشیعه فی احکام الشریعه، تحقیق گروه پژوهش مؤسسه آل البيت علیهم السلام، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، چاپ اول.

۲۹. همدانی، آقا رضا بن محمد هادی (۱۴۱۶ق)، مصباح الفقیه، تحقیق محمد باقری، نورعلی نوری، محمد میرزائی، سیدنورالدین جعفریان، مؤسسه الجعفریة لإحياء التراث و مؤسسه النشر الإسلامی، قم، چاپ اول.

